رسانه

پنجشنبه :: ۱۰ مهر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۷۷۰

جام جم ۵

فردا سالگرد تاسیس شبکه یک قدیمی‌ترین رسانه تصویری فارسی‌زبان جهان است

«یک» ۶۲ ساله جوان

مرحوم بهرام شفیع، مجری برنامه ورزش و مردم که یکی از قدیمی‌ترین تولیدات شبکه یک است ص ۷

ببینید و بشنوید

شبکه یک

۱۱:۳۵	آفتاب شرقی
۱۶	جشنواره کارآفرینی
۲۲:۱۵	مجموعه «دیوار»

شبکه دو

۱۱	شفا: گفت‌وگو با پزشکان متخصص و پاسخ به سؤالات مخاطبان درباره راهکارهای سلامت فردی و اجتماعی
۱۱:۳۰	از آسمان
۱۵:۳۰	کافه بازی
۲۰	ایران
۲۳:۳۰	ناگفته‌های عاشورا
۰۰:۰۰	کوی محبت

شبکه سه

۶:۱۵	زلال سخن (سخنرانی مذهبی)
۷	سلام، صبح بخیر
۱۳:۱۰	سمت خدا
۲۰:۵۰	مجموعه «زمین گرم»

شبکه چهار

۷:۳۰	مدرسه تلویزیونی ایران
۹	مسابقه فن آورد
۱۰:۱۵	ادامه مدرسه تلویزیونی ایران
۱۴	کتاب‌باز
۱۷	راهنمای مسافران کهکشان
۱۹	زندگی پس از زندگی
۲۰:۳۵	فیلم خانه
۲۳	خیابان

شبکه پنج

۱۱:۲۰	مستند ۵
۱۳:۳۰	تماشاخانه (دوست من برنارد)
۱۹:۰۵	سرچشمه
۲۰:۰۵	تهرانگرد
۲۱:۰۵	سریال هشدار برای کبری ۱۱
۲۲:۰۵	ما ایرانی‌ها

شبکه نمایش

۱۳	مدرسه پیرمردها
۱۵	هنوز هم دوست‌داشتنی هستی
۱۷	ستاره‌های خوب
۱۹	ناخدا خورشید
۲۱	آواز گنجشک‌ها
۲۳	تماس

شبکه نسیم

۱۸:۲۵	بیسیم
۱۹	نسیم آوا
۱۹:۲۵	بچه‌های دور کند
۲۰	خانه سبز
۲۰:۳۵	کارستون
۲۱:۳۰	دست فرمون

شبکه آی‌فیلم

۱۶	ریحانه
۱۷	مرد نقره‌ای
۱۸	کوبار
۱۹	سفر به چزابه
۲۰	نفس گرم
۲۱	ترور خاموش
۲۲	جاده‌های سرد

شبکه‌های رادیویی

۷	رادیو اربعین / به تو ار دور سلام
۱۱	رادیو سلامت / سعادت‌آباد
۱۲:۲۰	رادیو فرهنگ / با کاروان شعر و موسیقی
۱۲:۳۰	رادیو جوان / دایره
۱۴	رادیو پیام / بخش عصرگاهی
۱۶	رادیو ایران / پارسی‌گویان
۱۸:۳۰	رادیو ورزش / همیشه با ورزش

گفت‌وگو با مسعود کرامتی به مناسبت سالروز درگذشت رضا خندان

رضا از آدم‌های نیک روزگار بود

زینب علیپور طهرانی
رسانه

۱۰ مهر دهمین سالروز درگذشت رضا خندان است. بازیگری که در فیلم‌ها و سریال‌های ماندگاری ایفای نقش کرد و در ۵۷ سالگی به دلیل بیماری کلیوی درگذشت. آخرین حضورش بازی در نقش سنان بن انس نخعی در مجموعه «مختارنامه» بود که چندی پیش بازپخش آن از شبکه‌های سیما روی آنتن رفت. به بهانه سالروز فوت این هنرمند با مسعود کرامتی یکی از دوستان زنده‌یاد خندان گفت‌وگوی کوتاهی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

گویا دوستی و رفاقت شما با زنده‌یاد خندان به سال‌های بسیار دور برمی‌گردد.

بله رضا بچه جنوب بود و پیش از این‌که من و او با هم همکار و همبازی باشیم، در دوران دانشکده همکلاس بودیم. البته رضا یک سال بعد وارد دانشگاه شد. به‌خاطر انقلاب فرهنگی، دانشگاه تعطیل و همین باعث شد تا یک سال بعد که رضا خندان وارد دانشکده شد، با هم همکلاس و هم دوره شویم.

اولین همکاری‌تان را به‌خاطر دارید که مربوط به چه فیلم یا سریالی بود؟

من سال ۶۸ سریالی به نام «مسافرخانه» را برای گروه کودک و نوجوان شبکه دو می‌ساختم که رضا در آن سریال بازی کرد و نخستین پروژه‌ای بود که در آن همکار شدیم. البته این سریال جزو کارهای درسی ما محسوب می‌شد.

در دورانی که بیمار بود با هم در ارتباط بودید؟

بله یک سال قبل از فوتش وقتی برای آخرین بار دیدمش، سکته کرده بود و حالش اصلا خوب نبود. البته سرپا بود، ولی مشخص بود که به لحاظ جسمی دچار ناتوانی شده‌است. چون نمی‌توانست خوب راه برود. من وقتی دیدمش تعجب کردم. رضای قبلی نبود. چون رضا آدم محکم و به‌شدت قوی و سرحال و در اخلاق با مرام و بامعرفت بود. اگر کسی را می‌شناخت که به چیزی احتیاج دارد، حتما کمک می‌کرد.

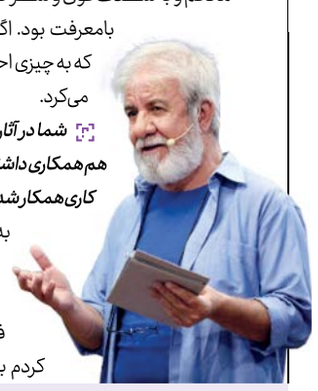

شما در آثاری که کارگردان بودید، با هم همکاری داشتید یا به عنوان بازیگر در کاری همکار شده بودید؟

به عنوان بازیگر در فیلم «مجنون» همبازی شدیم. اولین فیلمی که من بازی کردم به کارگردانی زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور بود که من رضا را به رسول معرفی کردم. افسوس که نام هر کسی را که می‌بریم باید عنوان خدابیامرز را به کار ببریم.

قطعا خاطرات مشترک بسیاری با هم دارید. می‌توانید یکی از آنها را برایمان تعریف کنید؟

من خاطرات بسیاری از رفاقت با رضا دارم که وقتی یادش می‌افتم، کلی خاطره برای من زنده می‌شود. چون ما رفت و آمد خانوادگی با هم داشتیم. تنها چیزی که می‌توان درباره رضا بگویم این است که به ظاهر خلق و خوی عصبانی داشت و به قول خودمان زود جوش می‌آورد و تکیه‌کلامی داشت که به کار می‌برد. رضا به‌شدت آدم صادق، صمیمی و دوست‌داشتنی بود. به نظرم رضا خندان از آدم‌های نیک روزگار بود. تا جایی که یادم می‌آید هیچ‌وقت با هم چالش خاصی نداشتیم که به قطع ارتباط‌مان منجر شود، اما واقعیت این است که در سال‌های آخر کمتر فرصت می‌شد همدیگر را ببینیم. البته نه فقط من و رضا همدیگر را نمی‌دیدیم؛ اصولا هیچ‌کسی هیچ‌کس دیگر را نمی‌دید.

چه تکیه‌کلامی داشت که باعث خنده شما شد؟

عصبانی که می‌شد می‌گفت: بزنم فکشو بیارم پایین. اما واقعا آدم بسیار دوست‌داشتنی بود و فقط در کلام این حرف را می‌زد. من خاطرم نیست که بین دوستان و همکاران و همکلاسی‌هایمان حاشیه یا حرفی درباره رضا شنیده باشم. خودم هم در تمام سال‌هایی که با هم رفاقت داشتیم، هیچ چیز بدی ندیدم. رضا با هیچ‌کسی هم مشکلی نداشت. البته حساس بود و خیلی زود دلخور می‌شد و به قول معروف زودرنج بود. با این حال خیلی زود دلخوری‌اش رفع می‌شد و چیزی در دلش نمی‌ماند و بسیار دوست‌داشتنی بود و جزو آدم‌هایی بود که من خیلی به یادش هستم و خاطراتمان را مرور می‌کنم. باعث تاسف است که نسل ما به گونه‌ای است که در جوانی خیلی‌ها را از دست دادیم. مثل: کامبیز صمیمی مفخم یا علیرضا توپچیان و...

یادی از هنرمند اهوازی

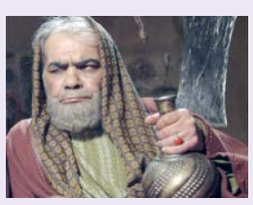

خندان فعالیت هنری‌اش را از سال ۴۸ آغاز کرد و سال ۶۶ به عنوان اولین تجربه سینمایی‌اش در فیلم «گمشدگان» به کارگردانی محمدعلی سجادی به ایفای نقش پرداخت. سریال‌های امام علی(ع)، این خانه دور است، داستان یک شهر و... از دیگر کارهای این هنرمند است.

بررسی مناظره ۲ نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا از بعد رسانه‌ای

مناظره برای قدرت‌نمایی رسانه‌ای نه جذب رای

فاطمه شهدوست
رسانه

مناظره‌های انتخاباتی از آن برنامه‌هایی است که حتی اگر اهل سیاست هم نباشید، اصولا گذرتان به آنها می‌افتد و به هر دلیلی حتی از روی کنجکاوی و هیجانی که دارد هم تماشایش می‌کنید. این داستان به‌تازگی برای دو نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا بین ترامپ و جو بایدن اتفاق افتاد. جریانی که به بهانه آن سراغ مهدی خانعلی‌زاده، کارشناس رسانه و دکترای روابط بین‌الملل رفتیم تا ساختار و کم و کیف این مناظره را از قاب نگاه رسانه بررسی کنیم.

جایگاه رسانه‌ای مناظره در آمریکا

جایگاه مناظره در سیاست‌های ایالات متحده اساسا رسانه‌ای است و چنین مناظره‌هایی برگزار نمی‌شود که روی نظر مردم تأثیر بگذارد، چون بافت سیاسی آمریکا به‌شکلی است که ۹۰ درصد رای‌دهنده‌ها تصمیم خودشان را گرفته‌اند. اما مساله اصلی در مورد این مناظره‌ها رسانه است، یعنی برای بازنمایی قدرت سیاسی در خود آمریکا و کشورهای مختلف چنین فضایی شکل می‌گیرد.

مجری مداخله‌گر

مجری‌ها از زمانی که این مناظره‌ها آغاز شده روند متفاوتی داشتند اما در چند دوره اخیر همین مجریان مسؤول بازخواست از نامزدها شدند. تا جایی که گاهی در این مناظره صدای مجری بالا می‌رفت، یعنی برخلاف مناسبات سیاسی که در کشورمان داریم و مجری برای جلوگیری از متهم شدن به جناحی رفتار کردن، چندان وارد بحث نمی‌شود و در اصل نامزدها با هم صحبت می‌کنند؛ اینجا خیلی وقت‌ها نامزدها با مجری این مناظره را پیش می‌برند.

کریس والاس هم از چهره‌های مطرح فاکس‌نیوز و از معتدل‌های حزب جمهوریخواه است اما در این مناظره با آن‌که نسبتا با ترامپ نرم بود اما او(ترامپ) آنقدر رفتارهای غیرقانونی و خارج از چارچوب داشت، که والاس مجبور شد چند بار در بحث ورود کند، واکنش نشان دهد و حتی سر ترامپ داد بزند تا مدیریت را به سمتی ببرد که ادعاهای هرطرف را با چالش مواجه کند.

سادگی به‌جای قدرت‌نمایی نمایشی

درباره دکور هم باید گفت قبلا سعی می‌کردند تا این مناظره‌ها در فضای پرزرق و برق و جایی برگزار شود که مثلا نمایش‌دهنده قدرت آمریکا باشد اما چند دوره‌ای است که به سمت سادگی و با تاکید بر این‌که انتخابات در چارچوب قانون اساسی رخ می‌دهد، رفته‌اند. متنی که پشت این دو نامزد بود هم برگرفته از قانون اساسی این کشور است. در بالا هم نشانی وجود داشت که همان نشان قانون اساسی بود؛ بنابراین در نهایت

سادگی و به‌دلیل کرونا بدون حضور تماشاگر و با تمرکز روی حرف‌های نامزدها این مناظره شکل گرفت.

جای خالی تماشاچی‌ها

قبلا که تماشاچی در این مناظره‌ها حاضر می‌شد، کسانی را از بین کارشناسان و افرادی که فعالیت جدی سیاسی دارند انتخاب می‌کردند و فضا مثل استادیوم نیست که هرکس خواست وارد شود. در این بین سعی می‌شود تا قبل از مناظره، محور سؤالات پرسیده شود تا چند نفر یک سؤال نداشته باشند. این بار در شرایط کرونا چنین اتفاقی نیفتاد و فکت‌چک جایگزین آن شد.

فکت‌چک چیست؟

قبلا اگر نامزدی مدعی مساله‌ای می‌شد یا مجری ورود می‌کرد یا تماشاگر می‌گفت این ادعا غلط است و با آمار و اطلاعاتی که داشت، آن را نقد می‌کرد. اما امسال چون تماشاچی نداشتند، بررسی واقعی بودن ادعاها به مناظره اضافه شد و تمام شبکه‌های خبری فکت‌چکی را ایجاد کردند تا تمام داده‌هایی را که در طول مناظره مطرح می‌شود، ارزیابی کنند.

یک درس سیاسی

در آخر تنها نکته‌ای که از منظر سپهر سیاست برای ارتقای این فضا از این مناظرات می‌شود برداشت کرد، این است که نامزدهای سیاسی در ایران مقداری سعه‌صدرشان را بالاتر ببرند و اجازه دهند رسانه‌ملی و مجری که انتخاب می‌شوند وارد مناظره با آنها شوند. در این شرایط اگر مجری با دست بازتری بتواند وارد مناظره‌ها شود، روند جذاب‌تری را شاهد خواهیم بود.

یادداشت:
نوید فرح‌مرزی
طراح چهره‌پردازی و طراح صحنه

خطرپناهندگی مخاطبان!

ما این همه دم از مقابله با غرب می‌زنیم و این همه نشانه‌های فرهنگی کهن و دیرین داریم، ولی عملا در اجرا گرفتار تکرار مکرراتیم.

مدام در فضاهای اشتراکی به ایرانیت و قدمت تاریخی خود می‌بالیم ولی در محصولات تولیدی‌مان، چقدر از این تمدن و قدمت بهره‌مند شده‌ایم؟ در تلویزیون کارهای فاخری داشتیم که به ایرانیت‌مان افزون کرده. نمونه‌اش سریال «هزاردستان» مرحوم علی حاتمی که هرچقدر می‌بینیم باز هم لذت دارد. با این همه این ترویج ایرانیت از زبان تصویر را فراگیر نکرده‌ایم.

فکر نمی‌کنم اشکالی داشته باشد که ما دنیا را کاوش کنیم و ببینیم در دنیا چه اتفاقاتی می‌افتد و تجربه کسب کنیم منتها باید از دنیا اقتباس کنیم و نه کپی کورکورانه. باید اقتباس‌هایمان را با توجه به معیارهای ایرانی و با توجه به سلیقه مخاطبان ایرانی آداپته کنیم تا نوآوری ایجاد شود.

تولید غنی نیاز دارد به نیروهای قدرتمند. نیاز به نیروهای فرهیخته داریم که برای جامعه الگو شوند تا در پوشش، در فرم رفتاری و در ادبیات گفتاری سرمشق باشند.

زمانی نه‌چندان دور، محصولات تلویزیون، بنیانگذار واژه‌هایی بودند که در سطح شهروندان عمومی بودند ولی حالا به اسم مردمی بودن، سطحی‌ترین شوخی‌هایی که در بدنه جامعه صورت می‌گیرد وارد فضای برخی سریال‌ها می‌شود و فیلمنامه‌نویس‌ها به دنبال این تکیه‌کلام‌ها می‌روند.

یعنی به‌جای این‌که سریالی بیاید و اصطلاحی را متداول کند، از اصطلاحات رایج و چه‌بسا سطح پایین کوچه و خیابان استفاده می‌کند.

در حیطه تخصصی خودم که چهره‌پردازی و طراحی صحنه است نوعی شتابزدگی در کارها را شاهدیم که شاید دلیلش استفاده از نیروهای ارزان مبتدی است.

با بالارفتن قیمت ارز متاسفانه وسایل چهره‌پردازی بسیار گران شده و این طبیعتا سطح دستمزدها را تغییر داده است ولی مشکل عمده این است که دوستان متوجه سطح قیمت این لوازم و مواد اولیه گریم نیستند و هنوز وقتی می‌خواهند برای یک پروژه تلویزیونی یا سینمایی قرارداد ببندند می‌خواهند با قیمت‌های قدیم کار کنند و همین می‌شود که نمی‌توانند نیروهای زبده را جذب کنند و ناچار سراغ آماتورهایی می‌روند که کاربلد نیستند.

این مسأله خودش باعث می‌شود سریال‌ها به لحاظ بصری افت کند و ماندگاری کارهای فاخر را نداشته باشد.

ما نباید بگذاریم مخاطب رسانه ملی پناهنده رسانه‌های بیگانه شود و اتفاقا آن‌قدر باید کیفیت تولید را بالا ببریم که فارسی‌زبانان همسایه هم برنامه‌های رسانه ملی را در کانون توجه قرار دهند.